



## به جای تغییر دادن جهان، خودت تغییر کن

در روزگاران قدیم، پادشاهی بر سرزمینی وسیع و ثروتمند، حکومت می کرد. روزی وی تصمیم گرفت به نقاط دوری از سرزمین خود مسافرت کند. از آنجایی که سفر، طولانی و مسیر ناهموار بود، موقع بازگشت به حدی از درد پا و خستگی شاکی شده بود که دستور داد تمام جاده‌های سرزمینش را با چرم بپوشانند تا سفرهای بعدی برای وی آسانتر شود.

برای مفروش کردن این همه جاده به هزاران پوست گاو نیاز بود. این کار هم هزینه زیادی داشت و هم خسارت فراوانی به آنها می زد. بالاخره یکی از درباریان دانا جرأت به خرج داد و به پادشاه گفت: قربان چرا می خواهید این همه پول را صرف انجام دادن چنین کار غیر ضروری کنید؟ فکر نمی کنید بهتر است به جای پوشاندن جاده‌ها با این همه چرم، پای خود شما را با یک تکه چرم بپوشانیم؟! پادشاه از شنیدن این پیشنهاد بسیار حیرت کرد و دستور داد، کفش چرمی راحتی برای وی تهیه کنند که با آن تمام راه‌های دشوار و ناهموار دنیا را بپیماید.

### برداشت

برای تبدیل این جهان به یک مکان بهتر و شادتر برای زیستن، بهتر است ابتدا خودمان را تغییر دهیم، نه جهان را. مدیران نیز نیازمند چنین بینشی هستند. آنها باید تغییر را از خود شروع کنند. در غیر این صورت توقع ایجاد تغییر و پذیرش آن از سوی دیگران، کمی بیهوده و نامعقول به نظر می رسد.

## نگاه سبز

در کشور ژاپن مرد میلیونری زندگی می کرد که از درد چشم، خواب نداشت و برای مداوای چشم دردش انواع قرص‌ها و آمپول‌ها را به خود تزریق کرده بود، اما نتیجه چندانی نگرفته بود. وی پس از مشاوره فراوان با پزشکان و متخصصان زیاد، درمان درد خود را مراجعه به یک راهب مقدس و شناخته شده می بیند. وی به راهب مراجعه می کند و راهب نیز پس از معاینه وی به او پیشنهاد می دهد که مدتی به هیچ رنگی به جز رنگ سبز نگاه نکند. وی پس از بازگشت از نزد راهب به تمام مستخدمین خود دستور می دهد با خرید بشکه‌های رنگ سبز، تمام خانه را رنگ آمیزی کرده و همینطور تمام اسباب و اثاثیه خانه را نیز با همین رنگ عوض کنند. پس از مدتی رنگ ماشین، ست لباس اعضای خانواده و مستخدمین و هر آنچه به چشم می آید را به رنگ سبز و ترکیبات آن تغییر می دهد و البته چشم دردش هم تسکین پیدا می کند. بعد از مدتی مرد میلیونر برای تشکر از راهب، وی را به منزلش دعوت می کند. راهب نیز که با لباس نارنجی رنگ به منزل او وارد می شود، متوجه می شود که باید لباسش را عوض کرده و خرده‌ای به رنگ سبز به تن کند. او نیز چنین کرده و وقتی به نزد بیمارش می رسد از او می پرسد آیا چشم دردش تسکین یافته است؟ مرد ثروتمند نیز تشکر کرده و می گوید: بله. اما این گرانتترین مداوایی بود که تاکنون داشته‌ام. مرد راهب با تعجب به بیمارش می گوید: برعکس، این ارزان‌ترین نسخه‌ای بوده که تاکنون تجویز کرده‌ام. برای مداوای چشم دردتان، تنها کافی بود عینکی با شیشه سبز خریداری کنید و هیچ نیازی به این همه مخارج نبود. برای این کار نمی توانی تمام دنیا را تغییر دهی، بلکه با تغییر نوع نگاهت می توانی دنیا را به کام خود درآوری.

### برداشت

پذیرفتن تغییر و عدم مقاومت در برابر آن، گامی بسیار محکم و اثربخش در جهت نیل به موفقیت و کامیابی است، اما اهمیت چگونه تغییر کردن، از پذیرفتن خود تغییر، کمتر نیست. تغییر به هر قیمتی، پسندیده نیست. چگونه تغییر کردن را بیاموزید. همچنین این داستان، تاکید چندباره‌ای است بر اینکه بهتر است تغییر را از خودمان شروع کنیم.

منبع: کتاب اصول مدیریت و کسب و کار در سرزمین حکایات

## گلدان زیبا

معاون یک استاد بزرگ درگذشت. استاد بزرگ همه شاگردها را جمع کرد تا مشخص کند افتخار کار در کنار او نصیب کدام یک از آنها خواهد شد. استاد بزرگ گفت: مسئله‌ای مطرح می کنم. کسی که اول این مسئله را حل کند، معاون جدید معبد خواهد بود. سپس نیمکتی در وسط تالار گذاشت. روی نیمکت، گلدان زیبایی گرانبهایی گذاشت که گل سرخی در آن قرار داشت. استاد خطاب به شاگردانش گفت: مسئله این است.

شاگردان حیران به گلدان نگاه کردند: به طرح‌های پیچیده و نادر روی سفال، به تازگی و زیبایی گل. منظور چه بود؟ چه کار باید می کردند؟ معما چه بود؟ پس از چند دقیقه یکی از شاگردها برخاست. به استاد و شاگردهای پیرامونش نگاه کرد و بعد مصممانه به طرف گلدان رفت و آن را روی زمین انداخت و شکست. استاد گفت: تو از این پس، معاون جدید من هستی.

وقتی شاگرد به جای خودش برگشت استاد بزرگ توضیح داد: «من خیلی واضح توضیح دادم: گفتم که مسئله‌ای پیش روی شما می گذارم. یک مسئله هر چه هم که زیبا و شگفت‌انگیز باشد باید از پیش‌رو برداشته شود. مشکل، مشکل است. می تواند یک گلدان زیبایی بسیار کمیاب باشد، می تواند عشق زیبایی باشد که دیگر برای ما معنایی ندارد و یا می تواند راهی باشد که باید آن را ترک کنیم، اما اصرار داریم به راهمان ادامه بدهیم، چون به ما آرامش می بخشد. تنها یک راه برای از میان برداشتن مشکل وجود دارد: حمله مستقیم به آن. در این لحظه، نمی توان دلسوزی کرد، نباید بگذاریم که جنبه‌های زیبا و شگفت‌انگیز تعارضی که پیش روی ماست، ما را وسوسه کند.»

### برداشت

به جای مسئله، بهتر است روی راه حل تمرکز کنید.